



### امیدوارم زان به مجلس خبرگان راه پیدا کنند

معاون پارلمانی رییس جمهور گفت: امیدوارم تعدادی از زان به مجلس خبرگان هم راه پیدا کنند و در مجلس شورای اسلامی هم شاهد حضور بیشتر و پررنگ تر آنها باشیم. به گزارش ایثنا، مجیدانصاری در همایش «حضور حداکثری زنان مسئولان در انتخابات» گفت: در فقه اسلامی ما میان زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد و مفهوم آزادی زنان را در درستی تفهیم کرده است. وی گفت: ۱۲۰ هزار دختر طلبه و فاضله در ۵۰ مرکز حوزوی مشغول تحصیل هستند و ۵۰ هزار فارغ التحصیل از حوزه های علمیه داریم. وی گفت: غریبه ها زنان را در گروستان کلاهی تبلیغی به نام «آزادی دفن کرده اند» اما این در حالی است که ایران اسلامی مساله مهم حجابت را به عنوان منویت و عامل حفظ شخصیت زنان بر گرفته است. وی افزود: هر گم نمی گوید حضرت زهرا(س) بعد از فوت پیامبر در مساجد سخرانی کرد، در جنگ خندق زینب در کوفه طعنه خواند و فرمانداری اسیران را بر عهده داشت. همین زنان در کنج خانه و با پوشش کامل این کارها انجام دادند. انصاری به تاکید رهبر معظم انقلاب نسبت به حضور زنان در تمامی عرصه ها اشاره کرد و افزود: دولت تدبیر و امید این بوده که در هیچ عرصه ای فرصت های مدیریت فرقی در جنسیت ها قابل نباشد و هیچ مانعی را در این مسیر به رسمیت نمی شناسد و تمام موانع برای ایفای نقش زنان برطرف شده. معاون پارلمانی رییس جمهور در پایان خاطر نشان کرد: خوشحالم که زنان زیادی در مجلس ثبت نام کرده اند و امیدوارم تعدادی از زنان به مجلس شورای اسلامی هم شاهد حضور بیشتر و پررنگ تر آنها باشیم.

### اعلام علل رد صلاحیت با عنلت محدودیت قانونی ممکن نیست

سختگوی شورای نگهبان یا تأکید بر احزای قلمون در بررسی صلاحیت داوطلبان نتخابات تأکید کرد؛ ما بدون هیچ مسامحه ای قانون را اجرا خواهیم کرد و اگر احراز کنیم که شرایط وجود ندارد قطعاً هیچ مصلحتی وسبب نمی شود ایجاد دهم افرادی که حایز شرایط نیستند، وارد عرصه رقابت انتخاباتی شوند. ابراهیمیان نظارت قانونی شورای نگهبان را برای احراز صلاحیت مبتنی بر نظارت استصوابی دانست و گفت: شورا بر همین اساس زانی می کند که روند بررسی صلاحیت ها مطلق قوانین صورت گرفته است یا نه و پس از آن اظهار نظر نمی کند. سختگوی شورای نگهبان در مصاحبه باخبرگزاری صداوسیما درباره علت اعلام نشدن علل رد صلاحیت داوطلبان و ملاحظات قانونی شورا در این باره تأکید کرد: اعلام عمومی رد صلاحیت به علت محدودیت قانونی و شرعی ممکن نیست و نمی توانیم علل آن را به صورت عمومی اطلاع سانی کنیم. ابراهیمیان با تبیین ملاک های بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات مجلس در چارچوب نظارت استصوابی با استناد به مواد ۲۸ تا ۳۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی، ماده ۲ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری و ماده ۱۱ آیین نامه ای مربوطه، شرایط انتخاب شوندگان را شامل اعتقاد بر ائمه اطهار و نظارت جمهری اسلامی، حسن شهرت و وثاقت بر شمرده و افزود: البته برای داوطلبان مجلس شورای اسلامی نیز شرط سنی در نظر گرفته شده است. ابراهیمیان با اشاره به اینکه به عنوان سختگوی شورا فرحمان این است که از رفتار ما القای اطمینان حاصل شود، گفت: مردم بایدانکه دور نشانی بی طرفی است و در دعوی جناح های سیاسی وارد نمی شود و به چیز حق قانون و مصالح عالی کشور فکر نمی کند و از مردم هم می خواهیم که به همین عنوان به ما اعتماد کنند.

### روایت دیدار رهبر انقلاب اسلامی با خانواده شهید آشوری «روبرت لازار»

# مسیحیان ایران از انقلاب و جنگ سر بلند بیرون آمدند

## رهبری به شما بدهکارم، کسی که قراره

چند دقیقه دیگه شریف بیازند منزل شما، آقای خاضعی هستند... جمله تمام شده که اشک مادر جاری می شود. برادرها ما هنوز فرصت می خواهند که باور کنند فرصتی در حد چند ثانیه بغض الفرد درو البت هم با نخستین کلمه ای که از دهان شان خارج می شود، می شکنند. تعجب شان کمجانی ندارد؛ تعجب شان به اندازه تعجب خود ما است، وقتی وارد شدیم و دیدیم روی دیوار منزل یک مسیحی، فقط دو قاب عکس هست، یکی قاب عکس شهید روبرت لازار و دیگری قاب عکس امام و رهبری؛ دو قاب عکس رنگ و روغنه قدیمی، ساعت ۶:۲۰ شب است و فقط مادر و دو برادر شهید در منزل هستند. عروس ها و نوه ها رفته اند به کلیسا برای مراسم شب تولد عیسای مسیح علیه السلام. مادر که تا چند دقیقه پیش مدام اصرار می کرد ما میوه و شیرینی و آجیل شب عیدشان بخوریم، حالا اصرارش بیشتر شده. خلیش را با یک جمله راحت می کنیم: «شما سیر کنید آقاییباید و پروند کل میز را برای تان خالی می کنیم» لیخندی می آید روی لبهاش و می رود می نشیند روی مبل، کنار کاج کوچک مصنوعی. خانه خیلی کوچک است و مادر نگران اینکه بالاترین مقام مملکت قرار است وارد چنین منزل کوچکی شود. مسوولان برنامه سعی می کنند دلنار و اش دهند که چیز مهمی نیست؛ اجاره گرفته اند و راندند مبل ها و میز ناهار خوری را جا به جا می کنند که فضا باز شود. برادرهای شهید هم کنار مادر می نشینند. الفرد سر صحبت را باز می کند: «سال ۷۵ بود. داشتیم از کاشان می اومدم تهران که تصادف کردم، مدارکم رو بردن قم، گفتیم افسر مربوطه رفته جگرکار، ماه رمضان بود، دو راه داشتیم، یا اول کنم بیام تهران و چند روز بعد دوباره برگردم یا برم جگرکار. بسا خودم گفتم این همه مدت می سیر رفتن و آمدن کردم، تا حالا جگرکار نرفتم، بروم اینجا. شب چهارشنبه بود و ماد رمضان جگرکار غلغله بود. گفتم: یا صاحب الزمان آخر خیر برادرم رو برم بیار، زنده یا شهید، من که صاحب الزمان رو نمی شناختم، اما دیدم همه مردم دارند دعا می کنند، به منم گفتند برای برادرم مفقودالوآم دعا کنیم. موقع بود که به نفر اومد به کالسه اش تعارف کرد، به نفر هم تهران، چهارشنبه تهران بودم، پنجشنبه بود که از معراج خبر آوردند برادرم برگشته و فردا با ۱۰۰۰ شهید مسیحی هم فرادش روز قیامت بود. ما هم از هیچی خبر نداشتیم، به دانش الهام شده بود، رفته بود نماز جمعه برای تشییع غوغایی بود این روز، هیچ تشییعی این جوری نشده بود، کلی از مهممحلای مسلمان اومده بودن تشییع جنازه برادرم، تو همین کلیسای مار گوزیکو چند جمعه بودند و سینه می زند و می گفتند: حضرت عیسی مسیح، صاحب عالم امروز...» یکی از مسوولان جلوی می آید و می گوید: «حاج خانم! یادته سال ۸۴، خانه رو با کسی می خوام رهبر رو ببینم؟ حالا اقا مین شیلون...» مادر که ناگهان اصلا حواسش به حرف های پسرش نیست، از لقب «حاج خانم» هم که مدام تکرار می شود تعجب نمی کند، توی حال و هوای خودش است. می گوید: «چه همه گفتن می شد آقا بیان دین ما، یا ما بریم دین ایشان،» او در سراسر گفت و گو روزنامه قدیمی را می آورد. «همشهری محله، منطقه یازده، ۱۲، ۸۶» یک نیم صفحه با مادر شهید مصاحبه شده و در یک کادر نو نوشته: «فاندر طی ایام مری که با مسوولان بنیاد شهید داشته، از آنها خواسته تا امکان ملاقات با رهبر را فراهم کنند، ولی بی جواب مانده است، دلش می خواهد رهبر را ببیند و نظرش این است که این امر محقق شود.»



ساعت از ۷ گذشته. مادر رشته صحبت را دست می گیرد: «وقتی راهبان نورفتم، محفل شهادت بسرم نرفتم، خیلی دور بود. جعفر قی داره، همه شهیدان بچه های من هستن. پر سروم تو ارماستان اقلیت های دینی تو جاده ساوه دفن کردیم. مرتب سسر می زدم. بهش دو روز پیش هم اونجا بودیم. عید پاک می میوم، تو دوه فجر هم به روز برای غبارروبی می ریوم.» توی همین صحبت هاست که رهبر انقلاب می رسند. مادر به استقبال می رود. بر سرها جلو می روند و عرض ادب می کنند. مادر می گوید: «رود بر شما. درود بر همه ملت ایران». رهبر می گویند: «خدا شما را حفظ کند». و مادر جواب می دهد: «سایه شما» و آقا دعا می کنند: «خدا فرزندش را با اولیایش مشور کند، همه می نشینند و مادر می گوید: «کلبه کوچکم نرور شد، خیلی خوشحال شدم. شما شریف اوردید.» بغض نمی گذار، حرفش را ادامه دهد. لحظه ای مکث می کند و ادامه می دهد: «به همه می گفتم: رهبر مال من هست، مگه فقط برای مسلمان هاست؟» «آقا یارب ما را هدایت کن.» «چون ما حق جنگ نرویدیم که آمدند این کارها رو کردند.» رهبر حرف های مادر را تأیید می کنند: «پناهایی دیگر هم همین جور می شوند، حاضر نیستند استقلال ما را تحمل کنند.» مادر به زبان آشوری چیزی به پسر می گوید و الفرد با شک و تردید از رهبر می پرسد: «کیک خانگی می خورد؟» آقا که موافقت می کنند، گل از گل مادر می شنکند. معلوم است در حال خنداخالی هستند. می گوید: «کتر احمدی زاده آمدن بود منزل ما. گفت چه چیزی لازم دارید؟ گفتم فقط سلاسی رهبر. همین که شما آمدید اینجا برای ما یک دنیا ارزش داره.» رهبر انقلاب جواب می دهند: «این روحیه های وفاداری خالص را شکر می کنم. بعضی ها فقط نگاه ما دارند و فقط پول را می شناسند اما اینها معنویات است.» آقا طبق معمول اجازه مرحض می گیرند. می ایستند و قبل از رفتن، به پسرها و نوه ها هم هدایای می دهند که به قدری بارشماندگی از مهرشان آرام می گویند: «خواهر شهید هم رومیه است.» رهبر هدیه های هم به مادر می دهند تا به دست دخترش برساند. بعد هم خدا حافظی می کنند و می روند برای دیدار با خانواده شهید مسیحی بعدی.

### خبر روز

## انتقاد رییس جمهور از گفتن های تفرقه افکن: بیامیر هم مکلف به مشورت با مردم است

## باید در کنار هم متحد باشیم

## هلال شیعی و سنی نداریم، همه ما مادر اسلامی داریم

گروه سیاسی | کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی دیگر با فریاد ایرانی اسلامی راه گوش جهان رساند، فردای که دو سال پیش در مهم ترین رسانه ای سران کشورهای جهان و از ترکیب ملل متحد سر داده شد، این بار در نزدیک ترین نقطه به فریبان خشنونت تکرار می شود. فریادیی که در خاورمیانه و در کشورهای غربی و در یک روز به شعله افروزی های خود می افزاینده، حضور دارند و حالا مدت هاست به سراسر خط اخبار جهان رسیده اند. حسن روحانی این بار که خود نقش میزبان است، سخنانی را در هفته وحدت ایفا می کند. آغاز خشنونت را خارج شدن اعتدال از فکر و سخن می خواند و مدرسی می داند که فریاد خشنونت ایران از دین تاهویت شیعه و سنی را رو به روی هم قرار دهند. منادی شعار جهان علیه خشنونت، در زمانی که صراحتا اعلام می کند «ما هان هلال شیعی داریم» و نه هلال سنی بلکه ما بدر اسلامی داریم، به آن زمان که فریاد خشنونت ایران از دین اسلام، معرفتی می گردند و اکنون جمعی اندک درون اسلامی نیز به نام جهاد، در عمل و در کلام، از دین کشور، خونی بریزند و ظلم معرفتی می کنند. رییس جمهور با تأکید بر اینکه «همه در شرایط کنونی مسؤولیت و وظیفه سنگینی بر عهده دارند»، در سال پیش در دولت جمهوری اسلامی ایران طرح مقلبه مطرح کرد که خشنونت و افراطی گری را با خشنونت و افراطی گری ر بزرگ تری تهدید پیش روی جهان معرفی می کرد و راهکار مقلبه با آن را دست به دست یکدیگر دادن همگانی عنوان می کرد، گرچه به ظاهر این طرح به تصویب همه کشورهای اسلامی و غیراسلامی رسید اما در مقام عمل گامی که حاکی از حسن نیت در عمل به این پیشنهاد باشد دیده نشد. روحانی با طرح این سوال که این همه خشنونت و خونریزی از کجا نشات می گیرد؟ خاطر نشان ساخت: بی تردید خشنونت ذمئی، منشا و مبدا خشنونت عملی است و در آغاز این اندیشه و فکر است که در مبنای استنباط ناصحیح از متون از تعادل خارج می شود و خشنونت را از فکر آفا و بعد به زبان و سخن آورده و سپس از آن تبدیل به گفتن می کند. آغاز خشنونت، خارج شدن اعتدال از فکر و سخن است. خطر واقعی آن زمانی است که در جامعه ای خشنونت تبدیل به گفتن می شود و تا گفتن ما بر مدار اعتدال و به دور از افراط نباشد، نتیجه آن خشنونت فکری و عملی خواهد بود. روحانی گفت: جای تأسف بسیار است که مدارسی به نام دین برپا می شود اما قرآن آنقدر

## حرف باشد خوب است. هر کجا تو با منی من خوش دلم را بود

در کنج چاهی منزل. روزنامه مصاحبه مسدلر را همه رهبر می دهند. نگاه می اندازد و می گویند برای چه تاریخی است؟ سال ۸۶ را که می شوند، با حسرت می گویند: «چرا آنقدر قدیمی؟ کاش یک روز تو می آمدی، شمامی آمدی یا من می آمدم.»

نزدیکان با این حال دو مساله وجود دارد که در چند روز گذشته برای برخی مهم بوده و رسانه ها هم به آن توجه زیادی در برده است. آشنای آشوری ها صحبت می کنند که به اعتقاد خودشان، قدیم ترین مسیحی ها بعد از مسیحیان فلسطینی (زادگاه حضرت عیسی علیه السلام) هستند. بحث به زبان آشوری و نزدیکان آن به عربی و عبری و حتی فارسی می کنند. الفرد میوه و آجیل روی میز را کنار می زند و پارچه سوزن دوزی روی میز نشان می دهد که به زبان آرامی روی آن نوشته شده: «پدوخون هو بریخا» و می گوید یعنی «عید شما مبارک» آقا هم همین را به عنوان نشانه شباهت زبانی می گیرند که «پدوخون» به کلمه «عید» نزدیک است و «بریخت» به «برکت» است. وقت خدا حافظی است و رهبر انقلاب هدیه ای به مادر شهیدی می دهند. می گویند «با شاله عیدتان مبارک باشد. شب خوبی بود.» مادر و فرزندش با هم می گویند: «برای ما که خیلی پیامدانی بود.» آقا می گویند: «ما به مسلمان ها قران هدیه می دهیم. اگر می توانستیم یک آجیل خوب پیدا کنیم، می آوردیم. این آجیل های الان، عموما روایت هستند نه تکرار وحی. البته یونان، اوقا، پروس و بزرگان مسیحیت هستند که بعضا هم شهید شدند. اینها مسیحیت را به ایران رویم و بریزند. در گذشته مسیحیت است. وقت ما هم در آنجا پیغمبر می بود. حواریون جزو بزرگان دین هستند. در اسلام هر کس عصمت حضرت مسیح و حضرت مریزم را منکر شود، اسلام خارج است. احترام ما به مسیحیت این گونه است. آنجیل هم مثل قرآن و تورات از آسمان آمده اما اینجیل های فعلی، اینجایی که من خواندم، روایت است نه آن چیزی که از آسمان نازل شده. اگر آن را گیر می آوردیم، روی چشممان می گذاشتیم.» «آلبرت که تقریبا در تمام جلسه ساکت و سربسته یز بود، حالا که می بیند رهبر انقلاب در حال خنداخالی هستند. می گوید: «کتر احمدی زاده آمدن بود منزل ما. گفت چه چیزی لازم دارید؟ گفتم فقط سلاسی رهبر. همین که شما آمدید اینجا برای ما یک دنیا ارزش داره.» رهبر انقلاب جواب می دهند: «این روحیه های وفاداری خالص را شکر می کنم. بعضی ها فقط نگاه ما دارند و فقط پول را می شناسند اما اینها معنویات است.» آقا طبق معمول اجازه مرحض می گیرند. می ایستند و قبل از رفتن، به پسرها و نوه ها هم هدایای می دهند که به قدری بارشماندگی از مهرشان آرام می گویند: «خواهر شهید هم رومیه است.» رهبر هدیه های هم به مادر می دهند تا به دست دخترش برساند. بعد هم خدا حافظی می کنند و می روند برای دیدار با خانواده شهید مسیحی بعدی.



این همه پیشنهاد کشتار و خونریزی سکوت داده و تا حتی به نفع عمل اصلی این خشنونت کمک می کنند؟ آیا شرعاً و نبیست که زن ها، کودکان از میان دریاها و دریاخانه ها به سختی عبور کرده و پناه یک کشور غیراسلامی برونند و آن کشور هم آنها را پشت دروازه های خود نگه دارد؟ اگر امروز پیامبر اسلام (ص) و اصحاب ایشان در میان ما بودند، این فاجعه بزرگ را تحمل می کردند؟

**گفتن بیمار گونه و فلفله هلال شیعی**  
روحانی در ادامه با تأکید بر اینکه آنچه عده ای با نام هلال شیعی مطرح می کنند نه هلال شیعی است و نه هلال سنی، بلکه ما بدر اسلامی داریم، رییس جمهور لزوم اتحاد با خشنونت و افراطی گری را در سالن ملل مطرح کرد که خشنونت و افراطی گری را بزرگ تری تهدید پیش روی جهان معرفی می کرد و راهکار مقلبه با آن را دست به دست یکدیگر دادن همگانی عنوان می کرد، گرچه به ظاهر این طرح به تصویب همه کشورهای اسلامی و غیراسلامی رسید اما در مقام عمل گامی که حاکی از حسن نیت در عمل به این پیشنهاد باشد دیده نشد. روحانی با طرح این سوال که این همه خشنونت و خونریزی از کجا نشات می گیرد؟ خاطر نشان ساخت: بی تردید خشنونت ذمئی، منشا و مبدا خشنونت عملی است و در آغاز این اندیشه و فکر است که در مبنای استنباط ناصحیح از متون از تعادل خارج می شود و خشنونت را از فکر آفا و بعد به زبان و سخن آورده و سپس از آن تبدیل به گفتن می کند. آغاز خشنونت، خارج شدن اعتدال از فکر و سخن است. خطر واقعی آن زمانی است که در جامعه ای خشنونت تبدیل به گفتن می شود و تا گفتن ما بر مدار اعتدال و به دور از افراط نباشد، نتیجه آن خشنونت فکری و عملی خواهد بود. روحانی گفت: جای تأسف بسیار است که مدارسی به نام دین برپا می شود اما قرآن آنقدر

## عکس نوشت



### گفت و گوی با نمایندگان در اولین جلسه علنی مجلس بعد از کناره گیری از انتخابات.

## نگاه روز

### دونکته در باب خبرگان رهبری

ثبت نامه به پایان رسیده است و مرحله اول انتخابات را پشت سر گذاشتیم. تعداد افرادی که برای انتخابات خبرگان ثبت نام کردند رکورد دوره های پیش را شکست و این موضوع توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. با این حال دو مساله وجود دارد که در چند روز گذشته برای برخی مهم بوده و رسانه ها هم به آن توجه زیادی نشان دادند: یکی حضور چهره هایی همچون سید حسن خمینی نوه گرامی امام خمینی(ره) و دیگری موضوع نقش نظارتی مجلس خبرگان رهبری است. در باب بحث اول باید یاد آور شد حضور چهره های جوان در مجلس خبرگان رهبری می تواند ترکیب سنی مجلس را از حالت عادی خود خارج کند و وجود چهره های جوان و باسواد با توجه به شرایط کشور می تواند تاثیر بسیاری مثبتی هم بر فضای جامعه و هم بدنه نظام سیاسی ایران بگذارد و باعث پویایی شود. از سوی دیگر به طور کلی حضور نیروهای وابسته به امام خمینی(ره) در دامان ایشان پرورش یافته اند می تواند کمک زیادی به استحکام نظام و جایگاه ولایت فقیه کند چرا که این افراد جزو گروه های هستند که بیشترین حساسیت را نسبت به جایگاه نظام دارند و جزو دلسوزان نظام جمهوری اسلامی ایران هستند.

در باب بحث دوم اما بهتر است پیش از هر چیز از نهج البلاغه تاسی جوییم چرا که امیرالمومنین به طور مفضل به آن پرداخته است. آنجایی که می فرماید ای مردم شما را بر من حق است و مرا هم بر شما حق است و حق من بر شما این است که مرا نظارت و نصیحت کنید. توجه داشته باشیم این کلامی است که امام معصوم به مردم عادی جامعه می گوید و بدین معناست که امام علی(ع) حتی از مردم عادی جامعه هم می خواهد به عملکرد او نظارت داشته باشند و او را نصیحت کنند. بنابراین با توجه به فرمایشات امام علی(ع) به راحتی می توان دریافت که نظارت یک اصل اسلامی است که انمه اطهار ما نیز بر آن توصیه داشته اند و پیش از آن هم یک اصل معقول و عقلانی محسوب می شود. همان طور که پیش تر هم ذکر شد ضمیر المومنین هم بر این مساله توصیه داشته اند و برای ما که نتها حکومت شکره در جهان هستی می شک روش حکومت داری حضرت علی(ع) می تواند مانند چراغ راهی برای سعادت باشد.

### پیشخوان

## حداد عادل از دلایل هدیه دادن کتاب خاطرات فروغی به ظرف می گوید

تصویری از کتاب «خاطرات محمدعلی فروغی» که به عنوان هدیه در مراسم حداد عادل به اعضای هیئت مدیره و کارکنان این نهاد تقدیم شد.

کتاب «خاطرات محمدعلی فروغی» که به عنوان هدیه در مراسم حداد عادل به اعضای هیئت مدیره و کارکنان این نهاد تقدیم شد.

گروه سیاسی | ماهنامه اندیشه بویا در گفت و گویی با غلامعلی حداد عادل از او درباره دلایل هدیه دادن کتاب خاطرات محمدعلی فروغی به محمد جواد ظریف گفته است. ۳۱ آرمه اسامال بود که روزنامه اعتماد در گزارشی به یک حاشیه در جلسه علنی ۳۰ تیرماه مجلس پرداخت. گزارشی که در آن به یک پاکت سفید رنگ روی میز محمد جواد ظریف که برای پاسخشویی به مجلس آمده بود پرداخته شد و در نهایت مشخص شد داخل پاکت کتاب خاطرات محمدعلی فروغی بوده است. با این حال هنوز هدیه دهنده مشخص نبود و در نهایت با بررسی دقیق تصاویر مشخص شد که حدادعادل بوده است که این کتاب را به ظریف هدیه کرده است. هر چند که هدیه دادن این کتاب از سوی او روشن خارچه کشورمان در بررسی های «اعتماد» روشن شد اما دلایل انتخاب این هدیه هنوز برای بسیاری نامشخص بود. حدادعادل اما در گفت و گویی که با ماهنامه اندیشه بویا داشته است در این مورد توضیحات بیشتری داده است. او در پاسخ به سوال در مورد دلایل انتخاب این کتاب گفته است: «همزمان با مذاکرات هسته ای در بیان کردادداشت های روزانه حضرت علی (ع) می خواندم و به کنفرانس صلح پاریس را که از مدت ها قبل منتظر انتشارش بودم، می خواندم و به طور طبیعی با مذاکرات هسته ای امروز کشورمان مقایسه می کردم؛ با مذاکراتی که صد سال پیش برای یک هیات ایرانی در پاریس انجام داده، هیاتی که فروغی هم عضوی از آن بوده است، چنین مقایسه ای شاید در ذهن خیلی از خوانندگان کتاب پیش آمده باشد. من هم مقایسه کردم و از چند جهت این مقایسه برابرم مهم بود. اول از جهت مقایسه شخصیت های عضو دو هیات، اعتقادات مختلف به هیات اعزام شده به پاریس داشتند، اینکه چگونه فکر می کنند و نظرشان نسبت به غرب چه بوده و مقایسه جایگاه و منزلت ایران در آن زمان و حال. در سال ۱۹۱۹ حکومتی عدلی را برای مذاکره به پاریس فرستاده و از پشت به آنها خنجر می زند و زیر پایشان را خالی می کند اما در ایران امروز دولت و از رکان نظام و رهبری کشور از هیات مذاکره دفاع کرده و نند و متل کوه در برابر زانده ظلمی است و مخالفان و طرف مقابل مذاکرات ایستادند. ملت نیز پشت سر این هیات بود. این سه نکته، بخشی از مقایسه های بود که با خواندن خاطرات فروغی به ذهن من خطور کرد. اصلا این هیات را مستخره کرده بودند. وثوق الدوله سرش با انگلیسی بود گرم بود و جواب تلگراف های هیات را هم نمی دادند. پول به آنها نمی رساندند. رسید و مثل آب سردی بود که روی سر آنها ریختند... این نکات در ذهن من بود و وزی که آقای ظریف به مجلس آمدند تا گزارشی از مذاکرات بدهند، نسخه ای از این کتاب را توی پاکتی گذاشتم و خیلی آهسته و باور چنین پاورچین رفتم و به ایشان دادم. زود هم دور شدم. نمی خواستم جلب توجهی کنم. اما خبر نگارها کار خودشان را کردند. متوجه این باتنی که به دکتر ظریف دادم شده بودند. یکی از خبرنگارها دوربینش را متمرکز کرده بود روی دست دکتر ظریف تا ببیند ایشان کی پاکت را باز می کند و داخل آن چیست، به این ترتیب بود که عصر کار روزنامه نگارانه قوی و از این حیث قابل تقدیر بود. من بیشتر می خواستم به آقای ظریف بگویم که مواظب باش در این مذاکرات سر سوزنی برخلاف منافع ملی عمل نکنی. قبال آن که قصد مقایسه شخص ظریف و شخص فروغی می باشم، می خواستم. قبال آن که قصد مقایسه شخص ظریف و شخص فروغی می باشم، می خواستم. قبال آن که قصد مقایسه شخص ظریف و شخص فروغی می باشم، می خواستم. قبال آن که قصد مقایسه شخص ظریف و شخص فروغی می باشم، می خواستم.